



نحوه انتخاب پوشش، برگزیدن یا عدم اقبال

به حجاب و پیش‌تر از آن نوع نگرش به مسأله پوشش و همینطور مطالبه آزادی‌های جنسی که هیچگاه عمومیت نیافته است، اجباری بودن یا قانونی بودن حجاب و در نهایت تبدیل شدن آن به یک مسأله اجتماعی با همه مشخصه‌های یک مسأله اجتماعی اعم از دامنه‌دار شدن، عمومیت یافتن و البته قابل حل بودن، این روزها محور مباحثی است که پیرامون حجاب و پوشش مطرح می‌شود. در میان اظهارنظرهای صریح، بی‌محابا و هر از گاه درباره حجاب که برخی از آنها به سرعت در شبکه‌های اجتماعی با واکنش و بازخورد همراه می‌شود، اظهارنظرهای «چاره‌ساز» کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. دکتر «حسن بنیانیان» مسؤول

کمیسیون فرهنگی شورایی انقلاب فرهنگی که با رویکردی به مهندسی فرهنگی، کتابی با عنوان «پوشش اسلامی، چالش‌ها و راهکارها» را به نگارش درآورده است، تأکید دارد نسخه‌های مُسکن درباره حجاب، مدیران فرهنگی را از کار عمیق و علمی در این حوزه دور کرده است. این کارشناس فرهنگی معتقد است در هر معضل فرهنگی که می‌شود آن را به یک بیماری در بدن تشبیه کرد، دکتر خاقداروی اصلی و ریشه‌ای می‌نویسد و در کنار آن یک یا چند مُسکن تجویز می‌کند که بیمار درد را فعلا تحمل کند. دولت، نیروی انتظامی، قانون، مشوق‌های اقتصادی، ترس و نگرانی برای حفظ پوشش که حکم مسکن را دارد موجب شده است از کار فرهنگی عمیق و علمی دور شویم. تکرار عبارت «کار فرهنگی» دردی را درمان نمی‌کند، بلکه باید از قالب یک عبارت یا

گزاره منطقی ذهنی، به‌عینت برسد. اما این چگونه ممکن است؟ کار فرهنگی عمیق درباره حجاب زمانی به نتیجه مطلوب، خواهد رسید که در تک‌تک افسرد باور و اعتقاد به پوشش اسلامی تبدیل به یک ارزش ذهنی شود و انقدر ارزش را خوب بدانند که در الگوهای رفتاری‌شان

تبدیل به عادت شود. برای اینکه این موضوع اتفاق بیفتد، هم برای فضای ذهنی و هم برای به‌عینت تبدیل شدنش باید برنامه‌ریزی کرد. پوشش، عفت و پاکدامنی باید در درون مرد و زن تبدیل به ارزش شود. رونوی شدن معنایش این است: او در کتاب خود می‌نویسد: «از جهت که موضوع پوشش مسأله‌ای اجتماعی است و تغییرات آن در نحوه ارتباط و تعامل زن و مرد شکل می‌گیرد، قرآن کریم هر دو – مرد و زن – را مخاطب قرار داده و قبل از آنکه تأکید کند زنان پوششی خاص داشته باشند، به مردان خطاب کرده و فرموده است: «به مردان مومن بگو دیدگاه فروخوابانند و دامن‌ها را حفظ کنند، این برای شما پاکیزه‌تر است، خدا به آنچه می‌کنید آگاه است». بدیهی است اگر این تلقی را فرهیختگان دین‌شناس تأیید و تأکید کنند، کنترل نیروی انتظامی، حراست سازمان‌ها و تذکرات مدیران تنها بخش ظاهری موضوع بدحجابی را آن هم تا اندازه‌ای می‌تواند حل کند؛ اگرچه موضوع بدحجابی انقدر مخرب و آفات‌زاست که همین میزان را هم نباید نادیده گرفت. موضوع بدحجابی همواره باید در یک قالب کلی و به هم پیوسته حجاب‌ظاهر و باطن و تنظیم روابط صحیح زن و مرد بحث، بررسی و راه‌حل‌یابی شود تا زمینه‌ساز بروز آسیب‌ها و بیماری‌های دیگر نشود.» دکتر بنیانیان در بحثی که پیرامون پیوستگی حجاب‌ظاهر و باطن وجود دارد به رعایت برخی ظرافت‌ها توصیه می‌کند.

الف – در بررسی جایگاه و پوشش اسلامی، حجاب

ظاهر و باطن در کنار هم دیده شوند.

ب – در انتخاب راه‌حل‌ها، درمان هم‌زمان بدحجابی ظاهر و باطن مدنظر قرار گیرد.

ج – مسؤولیت تک‌تک افراد اعم از زن و مرد، سازمان‌ها و نهادهای حکومتی و غیرحکومتی در کنار هم دیده شود.

اشاره به مسؤولیت تک‌تک افراد اعم از زن و مرد مسأله‌ای است که وی در توضیح آن به «وطن امروز» می‌گوید: «مسأله پوشش در رابطه زن و مرد شکل می‌گیرد، پوشش برای زن‌ها در فضای بدون مرد معنا ندارد. اگر مردها آگاهانه یا ناآگاهانه به زنان بدحجاب پاداش دهند– از طریق نوع نگاه کردن، لبخند زدن، بیشتر نگاه کردن، پاسخ بدحجاب را زودتر دادن و اینگونه پاداش دادن‌های ناخودآگاه – روی نوع پوشش خانم‌ها تأثیر دارند؛ این پاداش ممکن است نمره دادن یا ندانن استاد سررد به دانشجوی دختر، برخورد فروشندگان کالاها، برخورد کارمندان ادارات تا تسریع رفع رجوع کردن ارباب‌رجوع خانم یا مثال‌هایی مشابه باشند. به همین دلیل است که در مورد حجاب می‌گوییم هم باید برای مردها برنامه داشت و هم برای خانم‌ها».

وی که سال‌هاست در حوزه مهندسی فرهنگی کار می‌کند، از ضرورت‌های پرداختن به مسأله حجاب می‌گوید: «طرح مباحث حجاب ضرورت‌هایی دارد که باید آنها را پذیرفت و ترس از متهم شدن نداشت؛ وقتی به لحاظ اشتغال، تحصیل و… فضا بازر می‌شود، حجاب و حفظ آن به صورت تصادعی پیچیده می‌شود و کاستی‌هایی که

ما در حوزه مدیریت فرهنگی داریم، خودنمایی می‌کند. در «کار فرهنگی» که گفتیم، باید فلسفه حجاب را بدانیم و بعد در فضای عینی به عمل و برنامه‌ریزی بپردازیم. خلاصه فلسفه حجاب این است که روابط جنسی از درون خانه به بیرون خانه منتقل نشود. نقطه شروع درونی کردن فلسفه حجاب باور به دین، هدفمندی

زندگی، باور به قیامت و پذیرش ارزش‌های انسانی در درون آدم‌هاست. آن وقت یکی از آثار تربیت دینی صحیح می‌شود پوشش درست. هیچ میان‌بری وجود ندارد. «تربیت دینی» مسأله‌ای است که امروز در بسیاری از دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی رها شده است. گروه‌های مردمی و خودجوش کارهایی می‌کنند و تلاش هم می‌کنند اما در برابر حجم بی‌توجهی‌های داخلی و گسترش بی‌تقوایی‌ها و همچنین تهاجم فرهنگی و آثار مخرب توسعه تعامل با سایر فرهنگ‌ها که منجر به کاهش عمق اعتقادات و باورهای دینی می‌شود، ناچیز است و در این عدم توازن نیروی مخرب و مقاومت داخلی است که ما مرتبا عقب‌نشینی می‌کنیم. ضمن اینکه حجم تهاجم فرهنگی برنامه‌ریزی شده روی گسترش لالایی‌گری جنسی و بی‌عفتی بسیار بیشتر از کارهای خودجوش فرهنگی است».

دکتر بنیانیان در کتابی که در همین رابطه و با رویکرد مهندسی فرهنگی به چاپ رسانده، درباره فعالیت فرهنگی می‌نویسد: «فعالیت فرهنگی مجموعه تلاش‌های آگاهانه‌ای است که افراد، نهادها و سازمان‌های جامعه انجام می‌دهند تا تغییرات از پیش مشخص شده‌ای در نظام اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای افراد مورد نظر ایجاد شود. در توضیح این مطلب باید متذکر شوم دانشمندان معتقدند نظام فرهنگی جوامع دارای لایه‌بندی خاصی است که این لایه‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر قابل تفکیک و شناسایی است.»

رویکرد مهندسی فرهنگی دکتر حسن بنیانیان در پدیدارشناسی مسأله «بدحجابی» و «پوشش»

مسأله حجاب میان بر ندارد

وی در ادامه مطالبه به نکته بسیار تلخ و درآوری اشاره کرد که جادارد مسؤولان نظام روی آن چاره‌اندیشی کنند. دکتر بنیانیان اظهار داشت: «مسأله کم‌توجهی به تربیت دینی در بدنه عمومی نظام آموزش و پرورش به جایی رسیده که در شرایط موجود برای آنکه دینداری فرزند ما حفظ شود باید پس از جست‌وجوی مدارس محدود غیرانتفاعی دینی، با سالی چند میلیون تومان دین فرزند خود را حفظ کنیم. طبیعی است در چنین شرایطی روزبه‌روز وضع عفاف و حجاب بدتر شود. فضای ذهنی اکثریت مردم نیز مدرسه خوب یعنی مدرسه‌ای که امکان قبولی در دانشگاه را بیشتر کند، وقتی اکثر پدران و مادران از مدرسه فرزند خود مطالبه تربیت دینی ندارند و نمایندگان مجلس هم از وزیر آموزش و پرورش چنین مطالبه‌ای نداشته باشند، طبیعی است انگیزه خود مدیران مدارس آرام آرام از بین برود. در ادامه وقتی از مدرسه به دانشگاه وارد می‌شوند، دختر و پسر که از هم جدا بودند به شکلی نامتوازن کنار هم قرار می‌گیرند. همین کنار هم قرار گرفتن دختر و پسر جوان تربیت‌نشده، دانشگاه را به «تالار مد» تبدیل می‌کند و موضوع حجاب و عفاف بین نسل تحصیلکرده که تأثیر بیشتری بر تحولات فرهنگی جامعه دارد بی‌رنگ می‌شود. الان هم که معیار ارزش‌گذاری و درجه‌بندی دانشگاه‌ها صرفا علمی است و کارکرد فرهنگی بی‌تأثیر است. در کنار این، عملکرد نظام‌های رسمی آموزشی، عملکرد نامحسوس فرهنگی سایر دستگاه‌های اجرایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نوعا مخرب عفاف و حجاب است، زیرا این نظام‌های بروکراتیک وارداتی هنوز از جهت فرهنگ سامانی اصلاح نشده‌اند. نوع و ساختار ادارات گرایش‌ات دینی را کمتر می‌کند، به نحوی که اگر کسی دینش را حفظ کند، در ساختار منزوی می‌شود».

وی درباره راهبردهای تقویت فرآیند تربیت دینی در کتاب خود می‌آورد: «وقتی ماهیت یک نظام سیاسی، مبتنی بر تفکر و اندیشه دینی شکل می‌گیرد، فرصت‌های فراوانی در اختیار دلسوزان فرهنگ جامعه است که باید آن را شناسایی و از آن بهره‌براری کنند؛ ۱- فرصت پالایش و وضع قوانین جدید در جهت تقویت فرهنگ دینی جامعه ۲- فرصت پالایش، اصلاح و سازماندهی امور جامعه در جهت تقویت فرهنگ دینی ۳- فرصت تخصیص منابع مادی جامعه در جهت رفع کاستی‌های مالی مورد نیاز برای تقویت فرهنگ دینی جامعه ۴- فرصت پیش‌بینی تمهیدات لازم برای حضور

بهترین استعدادهای انسانی برای نظریه‌پردازی در مدیریت، مریگری و خدمت در عرصه فعالیت‌های مرتبط با توسعه و تقویت فرهنگ دینی جامعه ۵- فرصت تدوین برنامه‌ریزی جامع پیشرفت کشور بر محور تقویت فرهنگ دینی ۶- استفاده از مهم‌ترین نهادهای فرهنگساز جامعه در جهت تقویت اعتقادات و باورهای دینی مثل آموزش و پرورش، دانشگاه و رسانه‌های جمعی».

■ **نظام اداری ما به تربیت دینی لطمه می‌زند**
وی درباره برخی آسیب‌های نظام اداری که به

موضوع تربیت دینی لطمه می‌زند، به «وطن امروز» می‌گوید: «راهکارها در مهندسی فرهنگی مفصل بحث شده است. گفتگمانی را باید حاکم کنیم که این حرف غلط که «فرهنگ برای خودش مسؤول دارد» از بین برود، زیرا هم با عقل، هم با کمک علم و هم بر مبنای آموزه‌های دینی، می‌توان اثبات کرد همه افراد از همه سازمان‌های جامعه، چه عنوان فرهنگی داشته باشند و چه نداشته باشند، باید در محدوده تأثیر‌گذاری خود نقش فرهنگی خود را بشناسند و آن را اصلاح کنند. برای مثال وزیر بهداشت در حوزه خودش در کنار انجام وظایف بهداشتی، درمانی، به‌صورت اجتناب‌ناپذیری در تغییر باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری کارکنان، مراجعه‌کنندگان و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد؛ همان‌طور که کارکنان قوه‌قضائیه، نیروی انتظامی و وزارت صنعت تأثیر می‌گذارند. جالب است بدانید مقام معظم رهبری سال ۸۱ به اعضای شورایی انقلاب فرهنگی می‌فرماید «فرهنگی که باید صنعت ما، خدمات ما، کشاورزی ما، دستگاه‌های امنیتی و… ما را هدایت کند و جهت را مشخص کند چیست؟» تا از این طریق توجه همگان را به تأثیر‌گذاری فرهنگی خویش جلب کند بنابراین منطقا همه مسؤول فرهنگ هستند.

این نگاه راهبرد کلان نقشه مهندسی فرهنگی است؛ اصلاح پیامدهای کلان نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. برای رایج شدن این گفتمان و حاکم شدن آن باید دولت‌مدران نگاه غلط را اصلاح کنند. این نگاه غلط که ما مسؤول فرهنگ نیستیم، روحانیت مسؤول فرهنگ است، ما مسؤول فرهنگ

رویکرد مهندسی فرهنگی دکتر حسن بنیانیان در پدیدارشناسی مسأله «بدحجابی» و «پوشش»

■ **حرف‌های ساده‌لوحانه برخی درباره حجاب برای تضعیف امر به معروف است**

دکتر بنیانیان با انتقاد از برخی حرف‌های غیرعلمی می‌گوید: «خداوند زن و مرد را با نیروی جنسی قدرتمندی آفریده است تا خانواده‌ای سالم تشکیل دهند. حالا اگر این نیروی جنسی به جای تشکیل خانواده یا از خانواده به جامعه منتقل شود، زیربنای جامعه را به هم می‌ریزد چون در جایی غیر از کارکرد اصلی‌اش مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی تحلیل خطی ناقص دارند، در صورتی که مسأله حجاب برای حفظ جامعه و خانواده در شرایط امروز بسیار حیاتی است. این جملات که «چرا به ۴ تا مو نیست، مسأله «قدرت جنسی» است که توسط همین نمادها بروز و ظهور می‌کند و به جامعه منتقل می‌شود اگر نه پیرزن‌ها بدون حجاب بیایند در جامعه و به جای دو تا مو چندتا تار مو هم بیرون باشند اما در جوانی وقتی قدرت جنسی مطرح است نمی‌شود ساده‌انگاری کرد. انرژی جنسی با حکمت در انسان‌ها قرار داده شده است. معدود روحانثونی هستند که درک علمی ندارند، ممکن است صادقانه یا از کم‌فهمی مباحثی مثل آزادی حجاب یا اهمیت نداشتن حجاب را مطرح می‌کنند و می‌گویند مسائل دیگر مهم‌تر است اما با این جملات نمی‌شود مسأله بی‌توجهی به حجاب را حل کرد. برای اصلاح وضعیت حجاب از خود حجاب نمی‌شود و نباید شروع کرد، همه این نکاتی که درباره رفتارهای کلان و مهندسی فرهنگی گفته شد باید اصلاح شود. بعضی وقت‌ها برخی که نسبت به حجاب بی‌توجهند، به ارزش‌های دینی دیگر مثل نماز و روزه گرایش دارند یا در کارهای عام‌المنفعه دارند که آنها به‌واسطه تربیت درست و خودباوری، کمتر تحت تأثیر محیط هستند و به این درجه از بلوغ رسیده‌اند که این رفتار من است که دیگران را باید هدایت کند. علی‌ای‌حال بحث این بود که درمان ریشه‌ای عفاف و حجاب در گرو رشد عمیق دین‌باوری در همه اقشار بویژه نسل تحصیلکرده جامعه است. آن هم با درک تمام‌عیار از دین که همه را به این نتیجه برساند که حفظ کرامت، انسانیت و رشد همه شئون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فقط با عمل به دستورات دین، شدنی است. بنابراین درک ناقص از دین، درک ناقص از فرهنگ، کمکی به حل مشکلات نمی‌کند. نماز خواندن باید منجر به راستگویی شود. نمونه کامل

دکتر بنیانیان در پاسخ به این سوال «وطن امروز» که «پس چگونه است در اروپا که همه چیز علیه عفاف و حجاب است، باز هم شاهد حضور زنان محجبه هستیم» اظهار کرد: «این بحث برای جامعه ماست که می‌خواهیم جامعه اسلامی داشته باشیم و تمدن اسلامی را مجددا احیا کنیم اگر نه در همه جوامع تعداد اقلیتی وجود دارند که آنها به‌واسطه تربیت درست و خودباوری، کمتر تحت تأثیر محیط هستند و به این درجه از بلوغ رسیده‌اند که این رفتار من است که دیگران را باید هدایت کند. علی‌ای‌حال بحث این بود که درمان ریشه‌ای عفاف و حجاب در گرو رشد عمیق دین‌باوری در همه اقشار بویژه نسل تحصیلکرده جامعه است. آن هم با درک تمام‌عیار از دین که همه را به این نتیجه برساند که حفظ کرامت، انسانیت و رشد همه شئون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فقط با عمل به دستورات دین، شدنی است.»

■ **بدحجاب‌ها زن‌های شوهردار را زجر می‌دهند**
با رویکرد مهندسی فرهنگی به مسألی از این دست توجه شده است. چرا حرف‌های غیرعلمی «فروید» توسعه پیدا کرده است، چون حرف‌هایی از این دست را مردها خوش‌شان می‌آید و با سرعت گسترش می‌یابد. این پهنه‌ای می‌شود تا مردها با

حقاقل هزینه به نیازهای جنسی خود پاسخ دهند. منطق حجاب این است که نباید برای خودنمایی زندگی دیگران را متلاشی کرد. زن اگر احساس کند شوهرش صد درصد مال او نیست و در جامعه زن‌هایی هستند که حتی یک درصد شوهر او را تسخیر می‌کنند، آرامش زن به هم می‌ریزد. در واقع

بدحجاب‌ها زن‌های شوهردار را زجر می‌دهند. برای همین حجاب یک معجزه الهی است، برای آرامش زن و مرد و ثبات خانواده. شبکه روابط جنسی اگر از درون خانواده به بیرون کشیده شود، به نسل بعدی آسیب می‌زند. اگر نیازهای زن و مرد بیرون خانواده طراحی و پاسخ داده شود، آرامش از زن و مرد گرفته می‌شود و خانه تبدیل به مسافر خانه می‌شود. نسل بعدی چون محبت ندیده است بشدت به بزهکاری روی می‌آورد. مرد اگر بیرون خانه از بلای بدحجاب‌ها در امان باشد و چشمش کمتر آسیب‌دیده باشد، عصر با ذوق و شوق به خانه می‌رود.



سر میرزا کوچک‌خان را من از تن جدا کردم



روزنامه اطلاعات در شماره سوم اردیبهشت ۱۳۴۲، متن گفت‌وگوی خبرنگار این روزنامه با کسی که سر میرزا کوچک جنگلی را از بدن جدا کرد، منتشر کرده است. گزارش روزنامه اطلاعات اینگونه آغاز می‌شود: مردی که چند سال پیش سر میرزا کوچک‌خان را بریده و به تهران آورده بود، دیروز از طرف ژاندارمری مرکز دستگیر شد. خبرنگار ما برای گفت‌وگو با این مرد به ناحیه یک ژاندارمری رفت و در اتاق آقای سرهنگ منوچهر اسعدی، معاون ناحیه یک با این شخص صحبت کرد. ابتدا خبرنگار ما از آقای سرهنگ اسعدی، معاون ناحیه ثلث دستگیری این مرد را پرسید معاون ناحیه یک گفت: چند روز پیش ناشناسی تلفنی به تیمسار خسروانی، فرمانده ناحیه یک اطلاع داد آقای علی‌اصغر رضایی در ختله‌اش تریاک نگهداری می‌کند. مأموران ناحیه یک به خانه این مرد رفتند ولی هر چه گشتند چیزی نیافتند، در همین موقع چشم یکی از مأموران به آجرهای کف زیرزمین افتاد. آجرها را برداشتند و در زیر آجرها محافظه‌ای پیدا شد که داخل آن حدود ۵ کیلو تریاک به دست آمد و علی‌اصغر رضایی را دستگیر کردند و با تریاک مکشوفه به اینجا آوردند تا پس از بازجویی به دادسرا فرستاده شود.

■ **از ترس دولت**

علی‌اصفر در پاسخ به سوال‌های خبرنگار ما گفت: درست است این تریاک مال من است، آن را در زیرزمین مخفی کرده بودم ولی نه قصد فروش آن را داشتم و نه خودم معتاد هستم. نگهداری این تریاک‌ها فقط از ترس دولت بود. ۹-۸ سال پیش موقعی که هنوز کشت خشخاش ممنوع نشده بود یکی از دوستانم که در مازندران زندگی می‌کند این تریاک‌ها را برایم سوغات آورد. من آن را اول کردم و چون برای مصرف آن محلی نداشتم چند سال خشخاش را ممنوع کرد و خرید و فروش تریاک جرم شد، آن وقت من از ترس اینکه مبادا دستگیر شوم تریاک‌ها را زیر آجرهای زیرزمین مخفی کردم ولی همیشه می‌ترسیدم خبرنگار ما از پیروم پرسید آیا کسی در خانه او زندگی می‌کند؟ پیروم جواب داد سال‌هاست تنها زندگی می‌کنم و اگر مایل باشید حاضرم علت تنهایی خودم را برای‌تان شرح دهم. علی‌اصغر وقتی خبرنگار ما را برای شنیدن زندگی‌اش آماده دید، شروع به صحبت کرد و گفت: ۶۵ سال پیش در آن هنگام که دولت وقت یک افسر اتریشی برای تشکیل صنف توپخانه در ارتش ایران از فرنگ استخدام کرده بود من وارد ارتش شدم و به عنوان وکیل توپخانه مشغول به کار شدم. مدت‌ها در توپخانه مرکز کرک می‌کردم، توپ‌های ما آن وقت توپ وورشویی انگلیسی بود و جز در ماه رمضان و موقع افطار و سحر به صدا در نمی‌آمد ولی زمان محمدعلیشاه یک بار مادست به کار شدیم و به فرمان او مجلس را به توپ بستیم و از آن وقت مجاهدین مخالف ما توپچی‌ها شدند ولی در هر حال از ما می‌ترسیدند.

■ **سر میرزا کوچک‌خان را آوردم**

از این ماجرا چند سال گذشت که یک روز خبر آوردند اسمعیل آقا سیمتوق و میرزا کوچک‌خان جنگلی یانگی شده‌اند. دولت ما را مأمور سرکوبی میرزا کوچک‌خان کرد، ما توپ‌ها را با قاطر به گیلان بردیم، نمی‌دانید چه مرارت‌هایی کشیدیم تا توپ‌ها را روی کوه‌ها نصب کردیم و مراکز هواداران میرزا کوچک‌خان را گلوله‌باران کردیم ولی چون میرزا کوچک‌خان همه‌اش در حال جنگ و گریز بود توپخانه ما کاری از پیش نبرد. به ناچار با تفنگ به جنگ او رفتیم؛ در فویمات او را محاصره کردیم و پس از آتش‌زدن جنگل او را دستگیر کرده و کشتیم ولی کسی باور نمی‌کرد ما بتواتیم. میرزا کوچک‌خان را یکتیمیم. در نتیجه من ششانه سر میرزا کوچک‌خان را از تنش جدا کردم و آن را به ترک اسبم بستم. ابتدا به رشت رفتم و سر میرزا کوچک‌خان را به معرض نمایش گذاشتم سپس آن را به تهران آوردم. میرزا کوچک‌خان ریشی بلند و سری طلס و موی بور داشت. علی‌اصغر گفت: پس از این پیروزی درخشان به من مرخصی دادند. آن روزها تهرانی‌ها برای خوشگذرانی به باغ‌های شهریار می‌رفتند من نیز برای استفاده از ایام مرخصی به شهریار رفتم. در آنجا دختر کشاورزی به نام زهرا را دیدم، دیوانه‌وار عاشق او شدم و با هزار زحمت توانستم موافقت بستگان او را جلب کنم و با او ازدواج کنم. در مراسم عروسی ما افراد فوج بهادر، بچه‌های دیباغ‌خانه، سرهنگ محمدخان و حسن آقا سرتیپ شرکت داشتند. از عروسی ما چند ماه گذشت و قرار بود مراسم فرامنده توپخانه کنند که ناگهان زخم فوت کرد. پس از مرگ زخم دنیا بر من تیره شد، از آتش استغفا کردم و از آن تاریخ تاکنون در همین خانه که روزگاری زخم در آن سکونت داشت بکه و تنها زندگی می‌کنم. خبرنگار ما می‌نویسد: علی‌اصغر رضایی امروز به اتهام نگهداری تریاک به دادسرا اعزام شد.